

## تفسیر عیاشی و مؤلف آن

رضا استادی



شاذان نوشتیم...» و ما می‌دانیم که فضل در سال ۲۶۰ وفات یافته است. بنابراین می‌توان حدس زد که تولد عیاشی حدود سال ۲۴۰ بوده باشد.

### درباره او گفته‌اند

ابن ندیم: او از فقیهان شیعه امامیه، و در دانش، وحید دهر و زمان خود بوده، و تألیفاتش در نواحی خراسان بسیار مهم و ارزنده تلقی می‌شده است.<sup>(۵)</sup>

نجاشی: او ثقه صدوق و از بزرگان شیعه است... در آغاز سنی بوده و در همان زمان روایات فراوانی از آنان شنیده، سپس در حالی که هنوز جوان بوده شیعه شده است... مشایخ ما گفته‌اند: عیاشی ارث پدری خود را که سیصد هزار مثقال طلا بود همه را در راه علم و حدیث خرج کرد. خانه‌اش همیشه مانند مسجد پر از افرادی بود که به نوشتن، یا به مقابله یا قرائت و تعلیق اشتغال

نام و کنیه او ابونضر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش، معروف به عیاشی است. ابن ندیم و شیخ طوسی او را از بنی تمیم، و نجاشی وی را سلمی، و هرسه او را سمرقندی یا اهل سمرقند معرفی کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

صاحب قاموس الرجال گفته: سمرقندی بودن با عرب تمیمی و سلمی بودن سازگار نیست<sup>(۲)</sup> ولی به نظر می‌رسد که مقصود ابن ندیم و شیخ طوسی و نجاشی این باشد که او اصلاً عرب، اما موطن یا زادگاهش سمرقند بوده است.

علامه طهرانی و سیدحسن صدر او را از طبقه ثقه‌الاسلام کلینی متوفای ۳۲۸ دانسته‌اند<sup>(۳)</sup> و گواه این مطلب این است که کتبی که در نیمه دوم سده چهارم می‌زیسته در کتاب معرفة الناقلین خویش از عیاشی فراوان روایت کرده است<sup>(۴)</sup> و نیز در رجال کتبی آمده: «عیاشی گوید: به فضل بن

داشتند. (۶)

و نیز نجاشی در جای دیگر گفته است: خانهاش محل رفت و آمد و استفاده شیعه و اهل علم و دانش بوده است. (۷)

شیخ طوسی: او جلیل‌القدر، دارای اطلاعات گسترده و در فن حدیث خبیر و بصیر، در دانش، فضل، ادب و فهم سرآمد اهل عصر خود در نواحی خراسان بوده است. بیش از دویست کتاب و رساله تألیف کرده، که نام آنها در فهرست ابن ندیم یاد شده است. او در خانهاش مجلسی برای عموم، و نیز مجلسی برای خواص داشته است. (۸)

ابن شهر آشوب: او سرآمد دانشمندان اهل مشرق (خراسان) بوده، و تألیفاتش بیش از دویست کتاب است. (۹)

علامه حلی: او جلیل‌القدر، دارای اطلاعات گسترده و در فن حدیث بصیر و آگاه بوده، تألیفات فراوانی دارد که از دویست بیشتر است. (۱۰)

ابن داود: او ثقه صدوق است ولی از افراد غیر ثقه هم روایت می‌کرده است. در آغاز سنی بود و سپس به راه حق و تشیع هدایت یافت. گفته شده که سیصد هزار مقال طلا که ارث پدری‌اش بود در راه علم و دانش خرج کرد. خانهاش مانند مدرسه‌ای بود برای اهل دانش و دانشجویان. بیش از دویست کتاب تألیف کرد. (۱۱)

علم‌الهدی، فرزند فیض کاشانی نیز در نضدالایضاح، با عباراتی شبیه برخی عبارات گذشته از او تمجید نموده، می‌افزاید: عیاشی با شین نقطه‌دار و ابوالنضر با ضاد نقطه‌دار است. (۱۲)

**حاجی نوری:** او جلیل‌القدر، عظیم‌الشأن، بزرگ و رئیس شیعه، و در حدیث و رجال حدیث اهل نظر و نقاد بوده است. (۱۳)

محدث قمی: مشایخ علم رجال گفته‌اند: او ثقه صدوق، از بزرگان شیعه و خبره فن حدیث بوده. بیش از دویست تألیف دارد که یکی از آنها تفسیر معروف به تفسیر عیاشی است. از شاگردان و غلامان به اصطلاح اهل رجال. او شیخ کشی، صاحب رجال کشی، مشهور است. (۱۴)

**حاج آقا بزرگ طهرانی:** عیاشی بیش از دویست کتاب در فنون گوناگون مانند: حدیث، رجال، تفسیر، نجوم و غیره دارد و وی از مشایخ شیخ کشی و در طبقه شیخ کلینی بوده است. (۱۵)

### اساتید و مشایخ عیاشی

از سندهای روایاتی که از عیاشی در دست است برمی‌آید که او استادها و مشایخ بسیار زیادی داشته است. ما بسا بررسی روایات عیاشی در کتابهای رجال کشی، شواهد التنزیل حسکانی، رجال نجاشی و غیره به نام بیش از چهل نفر از آنان دست یافتیم ولی در اینجا فقط از آن عده از مشایخ و اساتید او یاد می‌کنیم که شرح حالشان گرچه مختصر در کتب رجال ذکر شده باشد.

۱- ابراهیم بن محمد بن فارس. او از اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام است و در رجال شیخ و رجال کشی یاد شده است. (۱۶)

۲- ابوالعباس احمد بن عبدالله بن سهل بغدادی واضحی. او صاحب کتاب «ایمان

طوسی گوید: او متکلم بوده و کتابهایی داشته است. نجاشی از احمد بن حسین نقل می‌کند که او کتابی در رد قول کسانی که می‌گویند رسول خدا پیش از نبوت به دین قوم خود بوده است داشته و برخی روایات عیاشی از او در تهذیب و استبصار نقل شده است. (۲۲)

۹- ابو عبدالله حسین بن اشکیب. از متکلمین شیعه و از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده و تألیفاتی داشته که یکی از آنها در رد زیدیه بوده است. (۲۴)

۱۰- ابو جعفر محمد بن احمد بن خاقان معروف به حمدان، چند کتاب او، از جمله کتاب «فضل الکوفه» در فهرست نجاشی یاد شده است. (۲۵)

۱۱- ابوالحسن حمدویه بن نصیر بن شاهی. شیخ طوسی فرماید: او در زمان خود بی نظیر بوده است. برخی از روایات عیاشی از او در تهذیب طوسی آمده است. (۲۶)

۱۲- محمد بن نصیر بن شاهی. شیخ طوسی گوید: وی اهل کش، ثقه جلیل القدر و کثیر العلم بوده است. برخی از روایات عیاشی از او در تهذیب شیخ طوسی نقل شده است. (۲۷)

۱۳- عبدالله بن حمدویه بیهقی. از اصحاب امام عسکری علیه السلام است و نامه‌ای از آن حضرت به وی در رجال کشی یاد شده است. (۲۸)

۱۴- علی بن عبدالله بن مروان بغدادی. از اصحاب امام عسکری علیه السلام است و گویا برخی او را از غالیان دانسته‌اند که عیاشی فرموده: غالیان در اوقات نمازها امتحان می‌شوند و من هیچگاه در وقت

ابی طالب» است و در رجال کشی و نجاشی یاد شده است. نجاشی گوید وی تا اواخر عمر تقیه می‌کرد و تشیع خود را اظهار نمی‌نمود ولی در آخر عمر عقیده خود را ظاهر ساخت. (۱۷)

۳- ابو عبدالله محمد بن احمد بن نعیم الشاذانی النیسابوری. او از اصحاب امام عسکری علیه السلام، و از کسانی است که امام زمان علیه السلام را زیارت کرده، و از وکیلان آن حضرت بوده است. (۱۸)

۴- ابوعلی محمودی محمد بن احمد بن حماد مروزی. از اصحاب امام هادی علیه السلام بوده است. (۱۹)

۵- احمد بن منصور خزاعی. روایات عیاشی از او در رجال کشی یاد شده است. و شیخ طوسی او را از اصحاب امام رضا علیه السلام دانسته که صحت این کلام بعید به نظر می‌رسد. (۲۰)

۶- ابو یعقوب اسحق بن محمد البصری. او از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بوده، و عیاشی در باره‌اش گفته، از تمامی مشایخی که در بغداد دیدم بیشتر حدیث حفظ داشت. (۲۱)

۷- ابو محمد جریر بن احمد فارابی. شیخ طوسی گوید: او مقیم «کش» (یکی از شهرهای نزدیک سمرقند) بود و از دانشمندان عراق، قم و خراسان بسیار روایت کرده است. قهپایی در مجمع الرجال گوید: او ضابط و کاتب احادیث بوده. و وحید بهبهانی گوید: مورد اعتماد شیخ کشی بوده به حدی که هر چه به خط وی می‌یافته بر آن اعتماد می‌نموده است... (۲۲)

۸- ابوسعید جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی، معروف به ابن تاجر. شیخ

واستقامت مذهب ستوده، و روایت عیاشی از او در رجال کشی آمده است. (۳۶)

۲۲- قاسم بن هشام لؤلؤی. از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده و در فهرست طوسی «کتاب النهی» و در فهرست نجاشی «کتاب النوادر» او یاد شده است. (۳۷)

۲۳- محمد بن یزید ادرازی. از اصحاب امام عسکری دانسته شده، و روایت عیاشی از او در شواهد التنزیل و رجال کشی دیده می شود. (۳۸)

۲۴- ابویعقوب یوسف بن سخت بصری. او از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده، و علامه حلی او را از ضعفا شمرده است، ولی مرحوم ممقانی و مرحوم وحید بهبهانی تضعیف علامه حلی را فرع تضعیف ابن غضائری دانسته، و گفته اند تضعیف های ابن غضائری مورد اعتماد و وثوق نیست به ویژه مواردی که او کسی را به خاطر نسبت دادن به غلو تضعیف کرده باشد. (۳۹)

البته حدود بیست نفر دیگر از مشایخ عیاشی در اسناد شواهد التنزیل و رجال کشی و غیره دیده می شود که چون نام آنان را در کتب رجال و تراجم نیافتیم از ذکر آنها خودداری شد، زیرا احتمال می رفت که با اعتماد فقط به سندها احیاناً اشتباهی رخ دهد.

#### شاگردان و راویان عیاشی

گفتیم که خانه عیاشی، مانند مدرسه ای بود که همواره گروهی در آن جمع و به نوشتن و مقابله کردن مطالب و غیره مشغول بودند. باتوجه به این مطلب طبیعی است که صاحب چنین خانه ای شاگردان فراوانی داشته باشد. در این بخش چهل نفر از آنان

نمازها با علی بن عبدالله نبوده ام، و درباره او جز خیر چیزی شنیده ام. (۲۹)

۱۵- علی بن حسن بن فضال کوفی. از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده و تألیفات فراوانی داشته که برخی گفته اند سی کتاب بوده است. عیاشی علم و فضل او را ستوده و گفته در عراق و خراسان افضل و افقه از او ندیده ام وی را فطحی مذهب ولی در عین حال ثقه و مورد اعتماد دانسته اند. (۳۰)

۱۶- ابوالعباس یا ابو محمد عبدالله بن ابی عبدالله محمد بن خالد بن عمر طایلسی التمیمی. عیاشی در باره او گفته: ما علمته الا ثقة خیراً. (۳۱)

۱۷- ابوالحسن علی بن محمد بن فیروزان قمی. بیش از پنجاه مورد روایت عیاشی از او در رجال کشی دیده می شود. (۳۲)

۱۸- علی بن جعفر بن عباس خزاعی مروزی. او از واقفیه بوده و از امام عسکری علیه السلام روایت دارد. و روایت عیاشی از او در شواهد التنزیل آمده است. (۳۳)

۱۹- فضل بن شاذان نیشابوری در گذشته سال ۲۶۰. او از فقهاء و متکلمین شیعه و صد وهشتاد کتاب و تألیف داشته است. و او غیر از فضل بن شاذان رازی است که از اهل تسنن است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام شمرده است. (۳۴)

۲۰- محمد بن احمد بن ابی عوف بخاری. روایت عیاشی از او در رجال کشی دیده می شود. (۳۵)

۲۱- ابوالحسن محمد بن سعید بن یزید الکشی. شیخ طوسی او را به صلاح

از کتابهای عیاشی را به بغداد آورده از همین احمد بن عیسی علوی روایت کرده است. (۴۴)

۶- علی بن اسماعیل دهقان.

۷- ابوالقاسم عبدالله بن طاهر نقار.

۸- ابونصر احمد بن یحیی. وی آنطور به فقه مسلط بود که برای عامه طبق فقه عامه و برای شیعه طبق فقه شیعه و برای حشویه طبق نظر آنان فتوا می‌داده است.

۹- محمد بن یوسف بن یعقوب جعفری.

۱۰- ابوجعفر محمد بن احمد بن ابی عوف بخاری. که از مشایخ کشی صاحب رجال معروف است. (۴۵)

۱۱- ابوبکر قنانی.

۱۲- ابوالحسن یا ابوالحسین بن ابی طاهر طبری سمرقندی. کتابی به نام «مداواة الجسد لحياة الابد» داشته است. (۴۶)

۱۳- محمد بن نعیم سمرقندی حناط یا خیاط. پدر حیدر بن محمد بن نعیم است که پیشتر یاد شد.

۱۴- لیث بن نصر. ممکن است همان باشد که خطیب در تاریخ بغداد یاد کرده و گفته است: در سال ۳۴۱ به بغداد آمد. (۴۷)

۱۵- علی بن حسنویه کرمانی.

۱۶- ابونصر احمد بن یعقوب سنائی. وی تالیفاتی داشته است.

از شماره شش تا شانزده در رجال طوسی یاد شده‌اند و بیشتر آنان را شیخ طوسی ستوده است. (۴۸)

و نیز شیخ طوسی افراد زیر را در رجالش از راویان عیاشی شمرده است.

۱۷- حسین بن نعیم.

۱۸- حسن کرمانی.

۱۹- محمد بن یوسف کرمانی.

۲۰- حسین غزالی کنتجی.

را که همگی از اهل فضل و رجالی جلیل‌القدر بوده‌اند، نام می‌بریم:

۱- ابومحمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی. او تمام کتابهای عیاشی را نزد وی خوانده و از او روایت کرده است. و درباره‌اش گفته‌اند، هزار کتاب از کتب شیعه را به قرائت و اجازه روایت نموده، و از تألیفات خود او کتابی است به نام «تنبیه عالم قتله علمه الذی معه» و نجاشی از او روایت می‌کند. (۴۰) و در برخی کتابها کنیه او «ابو احمد» یاد شده است.

۲- جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی. او فرزند عیاشی و از مشایخ شیخ صدوق است شیخ طوسی فرماید: او تمام تألیفات پدرش را برای عدمای از جمله ابی‌المفضل شیبانی روایت کرده است. (۴۱)

۳- ابو عمرو و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی. او صاحب کتاب «معرفة الناقلین» است که تلخیص و مهذب آن به نام رجال کشی معروف است. شیخ طوسی و نجاشی او را از شاگردان عیاشی معرفی کرده‌اند. و در رجال کشی روایات او، از عیاشی فراوان است. (۴۲)

۴- ابوالقاسم هاشمی. از مشایخ حاکم حسکانی بوده، ممکن است همان باشد که خطیب در تاریخ بغداد بعنوان ابوالقاسم الهاشمی یاد کرده و گفته است: او عالم به فقه و علوم قرآن و نحو و شعر و وقایع ایام و تواریخ اصحاب حدیث بوده و در بیشتر این دانشها تألیف داشته است و تاریخ وفات او را سال ۳۵۰ دانسته است. (۴۳)

۵- ابوجعفر احمد بن عیسی بن جعفر علوی عمری. او از اولاد عمر بن علی بن ابی طالب است. و اولین کسی که برخی

و همچنین افراد زیر را از غلمان\* عیاشی  
شمرده است:

- ۲۱- ابراهیم حبیبی.  
۲۲- احمد بن صفار.  
۲۳- احمد بن محمد بن حسین ازدی.  
۲۴- ابوالقاسم جعفر بن محمد شاشی.  
۲۵- محمد بن طاهر بن جمهور.  
۲۶- محمد بن یحیی مؤدب (نابینا بوده است). (۴۹)  
و همچنین شیخ طوسی در رجالش افراد  
زیر را از اصحاب عیاشی بشمار آورده است:  
۲۷- جعفر بن ابی جعفر سمرقندی.  
۲۸- بکر کرمانی.  
۲۹- محمد بن فتح معلم.  
۳۰- محمد بن شعیب بوجانکی.  
۳۱- محمد بن بلال معلم.  
۳۲- قاسم بن محمد ازدی.  
۳۳- عمرو حنّاط یا خیاط.  
۳۴- ابو عمر حنّاط یا خیاط (ممکن است  
با قبلی یکی باشند)  
۳۵- عبدالله صیدلانی  
۳۶- سعد صفار  
۳۷- ابوعلی وارثی  
۳۸- ابو عبدالله بقال یا قفال  
۳۹- ابو نصر خلقانی (۵۰)

دانشمندان معاصر خود نوشته و عدد این  
تألیفات را دویست و هشت کتاب دانسته  
است، ولی گفته: بیست و هفت عدد از این  
تألیفات را پیدا نکرده و یا گم کرده است و  
نام بقیه را که ۱۸۱ کتاب است یاد نموده  
که در فهرست ابن ندیم نیز یاد شده  
است. (۵۲)

شیخ طوسی در فهرست گوید: تألیفات  
عیاشی بیش از دویست کتاب است، و سپس  
نام کتابها را همانطور که در فهرست  
ابن ندیم ذکر شده آورده و همان عبارت  
ابن ندیم را نیز نقل نموده است. (۵۳)  
و نیز او در رجالش گوید: عیاشی بیش از  
دویست کتاب تصنیف کرده که در کتاب  
فهرست یاد کرده ایم. (۵۴)

شیخ نجاشی در فهرست خود حدود  
صد و شصت کتاب از کتابهای عیاشی را یاد  
کرده، که برخی از آنها در فهرست ابن ندیم  
و فهرست طوسی نیامده است. (۵۵)

مجموع کتابهایی که در این سه فهرست  
از عیاشی نام برده شده ۱۹۲ کتاب  
می باشد که بیشتر آنها در فقه و تعدادی هم  
در این موضوعات است: تفسیر، علوم قرآن،

\* غلام و غلمان در اصطلاح به شاگرد و دست پرورده  
علمی گفته می شود. مثلاً به ابو عمر زاهد که ملازم و  
تربیت شده ثعلب بود می گفتند: غلام ثعلب.  
و عضدالدوله می گفت: من در نحو غلام  
ابی علی فارسی، و در نجوم غلام ابی حسین رازی  
هستم و نجاشی درباره اسماعیل بن عبدالله گوید:  
کان من غلمان احمد بن ابی عبدالله و ممن تأدب  
علیه. و اینکه شیخ طوسی در رجالش افرادی را به  
عنوان اصحاب عیاشی یا غلمان عیاشی معرفی  
می کند مقصودش این است که آنان از دانشمندان و  
شاگردان عیاشی بوده اند. (قاموس الرجال، ج ۱،  
ص ۵۲ و ۸، ص ۳۳۴ و ۲۲۲ با تلخیص)

۴۰- زید بن محمد حلقی یزدکی، گفته  
شده: شاید یزدکی تصحیف شده یزدی  
باشد. و نیز گفته شده: یزدکی در نسبت به  
یزد که از شهرهای معروف ایران می باشد  
شنیده شده است. (۵۱)

### تألیفات عیاشی

ابن ندیم گوید: یکی از شاگردان عیاشی  
فهرست تألیفات استادش را برای یکی از

- معارف، امامت، رجال، احتجاج، اخلاق، تاریخ و سیره، نجوم و طب.
- البته به نظر می‌رسد که همه یا اکثر این تألیفات، حدیث باشد. در اینجا نام کتابهای غیر فقهی او را یاد می‌کنیم.
- الاجوبة المسکنة، شاید کلام باشد.
- احتجاج المعجزة.
- امامة علی بن الحسین علیهما السلام (شاید رد کیسانیه باشد).
- الانبياء والائمة.
- الاصیاء.
- الایمان (به کسر همزه)
- باطن القرات.
- البداء یا البدء.
- البرو الصلة.
- البشارات.
- تفسیر قرآن، همان کتابی که مورد بحث این مقاله است.
- التنزیل
- جوابات مسائل وردت علیه من عدة بلدان.
- (از این قبیل کتابها معلوم می‌شود که او مرجع حل مشکلات دینی مردم بوده است).
- حقوق الاخوان.
- الدعوات.
- دلائل الائمة.
- الروایا.
- سیرة ابی بکر.
- سیرة عثمان
- سیرة عمر.
- سیرة معاویه (این چهار کتاب از روایات اهل تسنن تألیف شده است).
- الصفة والتوحید
- الصلاة علی الائمة علیهم السلام.
- صنائع المعروف.
- الطب.
- العالم و المتعلم.
- فرض طاعة العلماء، شاید در ولایت فقیه باشد.
- فضائل القرآن.
- القرعة.
- القول بین القولین، شاید در جبر و تفویض باشد.
- الکعبه.
- المتعة.
- محاسن الاخلاق.
- محنة الاوصیاء، یا محبة الاوصیاء.
- المداراة.
- المروة.
- المزار.
- معرفة البیان.
- معرفة الناقلین.
- معیار الاختیار. یا معیار الاخبار، از روایات اهل تسنن تألیف شده.
- مکه و الحرم.
- الموضح از روایات اهل تسنن تألیف شده و شاید فقه باشد چون گفته‌اند در این کتاب شرایع یاد شده است.\*
- النجوم و الفأل و القیافة و الزجر.<sup>۵</sup>
- النسبة و الولا.

\* در رجال نجاشی اینطور آمده است: الموضع (باعین) تذکر فی الشرایع.

۵ ابن طاووس در کتاب فرج المهموم، ص ۱۲۴ می‌نویسد: من العارفین بالنجوم من الشيعة والمصنفین فیها الشیخ المعظم... محمد بن مسعود محمد بن عیاش. از این عبارات معلوم می‌شود که ابن طاووس کتاب نجوم او را فقط مجموعه احادیث مربوط به نجوم ندانسته، بلکه کتابی در فن نجوم به حساب آورده است.

یوم و لیلۃ.

و صد و چهل وهفت کتاب فقهی که به خاطر رعایت اختصار از یاد آنها خودداری کردیم (۵۶) و متأسفانه از این تألیفات جز نیمه اول از کتاب تفسیر او به دست ما نرسیده است.

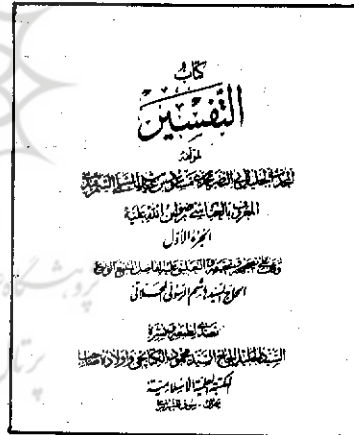
### تفسیر عیاشی

این تفسیر گرانقدر نزد حافظ کبیر عبیدالله بن عبدالله بن احمد معروف به حاکم حسکانی نیشابوری که تا سال ۴۷۰ زنده بودن او مسلم است بوده، و در کتاب شواهد التنزیل خود حدود سی روایت از آن نقل کرده است (۵۷)

تفسیر را از مصادر کتاب خود: «جنة الامان» معروف به مصباح کفعمی قرار داده است (۶۰) تاریخ تألیف مصباح سال ۸۹۵ می باشد. علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۱) می فرماید: دو نسخه قدیمی از این تفسیر دیده ایم. (۶۱)

و از عصر علامه مجلسی تا امروز، تفسیر عیاشی از مصادر کتب حدیث و تفسیر ما، مانند صافی، فیض، و تفسیر برهان وغایة المرام هر دو از سید هاشم بحرانی و بحارالانوار مجلسی و عوالم شیخ عبدالله بحرانی و وسائل الشیعة و اثبات الهداة هر دو از شیخ حر عاملی و تفسیر کنزالدقائق مشهدی وغیره بوده است.

دوره کامل این تفسیر نزد حاکم حسکانی و امین الاسلام طبرسی، بوده و آنها حدیث‌هایی از نیمه اول و نیمه دوم آن نقل کرده‌اند. ولی از زمان علامه مجلسی تا امروز فقط نیمه اول آن در اختیار بوده و از نیمه دوم آن اثری نیست و هفت نسخه از نسخه‌های خطی نیمه اول در ذریعه و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و آغاز نسخه چاپ شده تفسیر عیاشی یاد ویا معرفی شده است. (۶۲)



و همچنین امین الاسلام طبرسی (متوفای ۵۴۸) این تفسیر را داشته و از مصادر مجمع‌البیان خود قرار داده و حدود هفتاد حدیث از آن در مجمع‌البیان نقل کرده است (۵۸). و نیز ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸) از این تفسیر در کتاب مناقب آل ابی طالب چند روایت نقل کرده است. (۵۹)

و مرحوم شیخ تقی‌الدین کفعمی نیز این

حذف سند روایات تفسیر عیاشی متأسفانه آن مقدار از تفسیر عیاشی که در دست است (نیمه اول) سندهای آن توسط یکی از دانشمندان که این تفسیر را

آدرس احادیث ذکر شده از نیمه دوم را می‌توانید در عربی این مقاله ببینید، یازده حدیث از شواهد التنزیل و حدود چهل روایت از مجمع‌البیان آدرس داده شده است. رک: مجله رساله‌القرآن، چاپ قم، شماره ۳.



تعدیل‌های او که نسبت به رجال حدیث، نوشته و گفته پس از مستبصر شدن اوست و یا قبل از هدایت گفته و یا نوشته بوده است. از اینرو نمی‌توان به احادیث و همچنین قضاوت‌های رجالی او اعتماد کرد. (۶۳)

پاسخ: می‌توان به یقین ادعا کرد که کتابها و روایات و قضاوت‌های رجالی او همه مربوط به بعد از استبصار اوست، زیرا:

اولاً: احادیث عامه و خاصه بگونه‌ای نیست که با یکدیگر اشتباه شوند، و یکی از راههای تمیز، خود سندها می‌باشد. (۶۴)

ثانیاً: او در دوران جوانی مستبصر شده و حدود پنجاه سال پس از آن تاریخ زنده ثالثاً: در کتب رجالی هنگام ذکر فهرست تألیفات او در مورد شش کتاب وی تصریح شده که اینها از روایات عامه است (۶۶) این بوده، و کسی که پس از مستبصر شدن خود این مقدار عمر کند اگر قبلاً کتابهایی نوشته که شامل مطالبی از غیر شیعه باشد حتماً یادآوری می‌نماید. (۶۵)

خود او گفته: چون روایات این کتاب را به طریق سماع از مشایخ نشنیده بودم سندها را حذف کردم تا اگر در آینده کسی را پیدا کردم که این تفسیر را با اسناد نزد مشایخ خوانده باشد نزد او بخوانم و اسناد را هم یاد کنم. این مطلب حاکی از شدت احتیاط اوست که کسی توهم نکند او این تفسیر را از مشایخ روایت می‌نماید، بلکه معلوم باشد که او فقط نسخه خطی آن را یافته و از روی آن استنساخ نموده است.

این دو تلخیص از تألیفات یکی از شاگردان فخرالمحققین، و نسخه مورخ ۷۵۵ آنها در کتابخانه آیةالله مرعشی در قم موجود است (رک: فهرست کتابخانه آیةالله مرعشی، ج ۴، ص ۴۰۱)

بنابراین، اشکال علامه مجلسی به ناسخ کتاب تفسیر عیاشی بی‌مورد است. (رک: بحار، ج ۱، ص ۸ و ۲۸ و نیز تحفالعقول، ص ۳ و احتجاج طبرسی، ص ۳)

استنساخ می‌کرده حذف شده، و در نسخه‌های موجود، همه روایات آن مرسله است.

البته به نظر نویسنده باید از این ناسخ قدردانی شود، زیرا اگر استنساخ او نبود ما از فیض این تفسیر برای همیشه محروم می‌ماندیم و طبق توضیحی که خود او در آغاز نسخه داده، این حذف به خاطر شدت احتیاط او بوده نه اینکه از روی سهل‌انگاری باشد، بنابراین هیچگونه اشکال و گله‌ای نسبت به او روا نیست.

یادآوری نکته‌ای در اینجا مناسب است و آن اینکه: ما نباید زمانهای پیش را با زمان خود مقایسه کرده و در مورد آن زمان‌ها مانند زمان خودمان قضاوت کنیم، در زمان ما نیاز به سند احادیث بسیار محسوس است، اما در آن زمانها کسانی که کتابهایی مانند نهج‌البلاغه و تحفالعقول و احتجاج و تلخیص امالی مفید، و امالی صدوق<sup>۶</sup> را بدون سند تألیف و یا به عنوان تلخیص،

سندهای آن را حذف کرده‌اند، به هیچوجه به ذهنشان نمی‌آمده که در آینده سایر نسخه‌ها و کتابها از بین می‌رود و محققان و عالمان به سندهای روایاتی که در کتابهای آنان نقل شده نیاز خواهند داشت تا به آنها انتقاد کنیم چرا سندها را حذف کرده‌اند. و یا مانند برخی از علما بسگوئیم آنان جنایت کرده، و به معارف اسلام لطمه زده‌اند.<sup>۶</sup>

### یک اشکال و پاسخ آن

برخی از دانشمندان گفته‌اند و یا ممکن است بگویند: چون عیاشی در آغاز عمر شیعه نبوده، نمی‌دانیم این حدیثها و جرح و

برخوردار است، با آنکه به يقين هر دو روايت در اصل متحد بوده است.

برای ارزیابی کلام مذکور می‌توان به روایاتی که در وسائل از این تفسیر و کتب اربعه نقل شده و معلوم است که یک روايت بوده مراجعه کرد.

و بدنیست همین جا اشاره شود که تفسیر عیاشی در میان تفاسیر روایی مامانند تفسیر فرات کوفی، و تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام و تفسیر ابن ماهیار و حتی تفسیر علی بن ابراهیم قمی، از حیث اتقان و احکام ممتاز است، اما در عین حال احياناً روایاتی که نمی‌تواند جز باتوجه و تاویل قابل قبول باشد در آن دیده می‌شود.

#### آخرین سخن

نیمه موجود تفسیر عیاشی با تحقیق و تصحیح محقق عالیقدر حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدهاشم رسولی محلاتی در دو جلد در قم چاپ شده و سپس از روی آن افست گردیده است. در آغاز این چاپ، مرحوم حضرت علامه طباطبائی، مؤلف تفسیر گرانقدر المیزان، تقریظی مرقوم داشته‌اند که گویای عظمت و اعتبار آن است. اکنون به چند جمله از آن اشاره می‌کنیم:

بهترین تفسیر روایی که برای ما به یادگار مانده است تفسیر عیاشی است. این تفسیر از روزگار تألیف تاکنون همواره از طرف مفسران تلقی به قبول شده، بدون اینکه درباره آن قدح و اعتراضی وارد ساخته باشند.

آنگاه علامه فرموده‌اند: نیمه دوم این تفسیر مفقود شده ولی گفته می‌شود

تصریح دلیل آن است که بقیه این خصوصیت را نداشته‌اند.

در مورد نظریه‌های رجالی او نیز اگر از کتابها نقل شده باشد که پاسخش داده شد، و اگر منظور نظریه‌هایی باشد که شفاهی بوده، پاسخ این است که این نظریه‌ها از کشی از او نقل شده، و روشن است که کشی پس از استبصار او این مطالب را از او نقل کرده است.

آری در رجال نجاشی آمده: «عیاشی از مشایخی که ثقه نبودماند فراوان روايت می‌کرده است، این مطلب باعث می‌شود که روایات تفسیر او مورد اطمینان نباشد، زیرا احتمال اینکه در سلسله سندهای حذف شده، افراد ضعیف باشند قوی است و این مطلب موجب سلب اطمینان می‌گردد. و نیز این عبارت نجاشی سبب می‌شود تا در مورد هر کدام از مشایخ عیاشی که در کتب رجال توثیق نشده‌اند بگوییم به احتمال قوی ضعیف و غیر موثق هستند.

اما آنچه باعث آسودگی خاطر است اینکه متن بخشی از روایات تفسیر عیاشی به قدری از احکام و اتقان برخوردار است که می‌توان گفت این متن‌ها ما را از سند بی‌نیاز می‌کند، مانند آنچه در مورد نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و غیره گفته شده است. و برخی از اساتید فرموده‌اند: برای محقق متبع روشن است که بخشی از روایات این تفسیر در کتب اربعه شیعیه نیز با سند نقل شده و این خود از مؤیدات اعتبار این تفسیر است. و همین استاد گفته است: گاهی در مقایسه بین آنچه در کتب اربعه و این تفسیر نقل شده، می‌بینیم متن نقل شده در این تفسیر، از احکام و اتقان بیشتری

- ۱۶- رجال شیخ، ص ۴۱۰، رجال کشی، ص ۵۳۰، تنقیح المقال، ممقانی، ج ۱، ص ۲۳ و قاموس الرجال، تستری، ط اول، ص ۱۹۶.
- ۱۷- رجال کشی، ص ۵۹۰، رجال نجاشی، ص ۱۸۶، مجمع الرجال قهپائی، ط ۷ جلدی، ج ۱، ص ۱۲۱ و نیز پاورقی همین صفحه.
- ۱۸- رجال طوسی، ص ۴۳۶، مجمع الرجال، ج ۷، ص ۱۹۱-۱۹۲.
- ۱۹- رک: فهرست رجال کشی، ص ۲۷۰ و رجال شیخ، ص ۴۲۴.
- ۲۰- فهرست رجال کشی، ص ۴۰، رجال طوسی، ص ۳۹۱.
- ۲۱- رجال کشی، ص ۴۵، شواهد التنزیل، حسکانی، ط بیروت، رجال طوسی، ص ۴۲۸ و ۴۱۱ و رجال کشی، ص ۵۳۱.
- ۲۲- فهرست رجال کشی، ص ۲۷۰، رجال طوسی، ص ۴۵۸، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۷، مجمع الرجال، تعلیقه منیج المقال، ص ۸۰.
- ۲۳- رجال نجاشی، ص ۱۲۱ (در این کتاب به جای ابن تاجر «ابن عاجزه» آمده)، رجال طوسی، ص ۴۵۸، معجم رجال الحدیث، آیةالله خوئی، ج ۷، ص ۲۵۱ و ۲۶۰.
- ۲۴- فهرست رجال کشی، ص ۲۷۱، رجال نجاشی، ص ۴۴، رجال طوسی، ص ۴۱۳، ۴۲۹، ۴۶۲، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۲۰.
- ۲۵- رجال کشی، ص ۶۷، ۲۳۲، ۵۳۰ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۹، فهرست رجال کشی، ص ۱۰۳، رجال نجاشی، ص ۳۴۱، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۰ و ج ۳، ص ۴۱۲.
- ۲۶- رجال کشی، ص ۴۰۳، شواهد التنزیل، ص ۱۰۴، ۱۴۴، مجمع الرجال، ج ۲، ص ۲۳۳، رجال طوسی، ص ۴۶۳، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۱ و ۲۶۰.
- ۲۷- فهرست رجال کشی، ص ۲۷۲ و ۲۷۷، رجال طوسی، ص ۴۹۷، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۳۸، ۲۰۳ و ج ۲، ص ۳۳۱، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۱ و ۲۶۰.
- ۲۸- رجال طوسی، ص ۴۳۲، رجال کشی، ص ۵۰۹، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۷۹.

دربرخی از کتابخانه‌های جنوب ایران موجود است، و این گفتار هنوز برای ماروشن نشده و به آن نسخه راه نیافته‌ایم\* از خدای عزوجل می‌خواهیم که ما را به دسترسی به آن نسخه موفق دارد تا نسخه کامل آن چاپ شود. انه سمیع الدعاء قریب مجیب.

\* قابل ذکر است که تاکنون این نسخه دیده نشده است. ولذا نمی‌توان آن گفتار را تصدیق کرد.

#### یادداشتها:

- ۱- فهرست ابن ندیم، ص ۳۴۵، فهرست طوسی، ط نجف، ص ۱۶۳، فهرست نجاشی، طقم، ص ۳۵۰.
- ۲- قاموس الرجال، ط اول ج ۸، ص ۳۷۷.
- ۳- اعلام الشیعه، علامه طهرانی، قرن چهارم، ص ۳۰۵، الذریعه، علامه طهرانی، ج ۴، ص ۲۹۵، تأسیس الشیعه، سیدحسن صدر، ص ۳۳۲.
- ۴- رک: رجال کشی، طمشهد، ص ۴، ۵، ۷، ۱۰ و...
- ۵- فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۵.
- ۶- رجال نجاشی، ص ۳۵۰.
- ۷- رجال نجاشی، ص ۳۷۲.
- ۸- فهرست طوسی، ص ۱۶۳، رجال طوسی، ص ۴۹۷.
- ۹- معالم العلماء، مازندرانی، طنجف، ص ۹۹.
- ۱۰- خلاصه الاقوال، علامه حلی، طنجف، ص ۱۴۵.
- ۱۱- رجال ابن داود، طتهران، ص ۳۳۵.
- ۱۲- نقد الايضاح، علم الهدی کاشانی، طمشهد، ضمیمه فهرست شیخ طوسی، ص ۳۱۷.
- ۱۳- مستدرک الوسائل، حاجی نوری، ط ۳ جلدی، ج ۳، ص ۶۶۵.
- ۱۴- الکنی واللقاب، محدث قمی، طنجف، ج ۲، ص ۴۵۶.
- ۱۵- الذریعه، ج ۴، ص ۲۹۵.

- ج ۱۴، ص ۳۹۹ و ج ۴، ص ۳۵۷.
- ۴۴- تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۸۵، رجال نجاشی، ص ۳۶۷، رجال طوسی، ص ۴۳۹.
- ۴۵- قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۳.
- ۴۶- فهرست طوسی، ص ۲۱۵.
- ۴۷- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱۳، ص ۸۱.
- ۴۸- رک: رجال طوسی، ص ۴۸۷ و ۴۷۹ و ۴۹۸ و ۵۲۰ و ۴۳۹ و ۵۱۸ و ۴۹۱ و ۴۳۹ و ۴۹۷.
- ۴۹- رک: رجال طوسی، ص ۴۶۳ و ۴۹۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۵۹.
- ۵۰- رک: رجال طوسی، ص ۴۵۶ و ۴۵۹ و ۴۹۸ و ۴۸۹ و ۴۷۶ و ۴۷۹ و ۴۷۴.
- ۵۱- رجال طوسی، ص ۴۷۳ و باورقی همین صفحه، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۳۳.
- ۵۲- فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۸ و ۲۶۶، فهرست نجاشی، ص ۲۶۳.
- ۵۳- فهرست طوسی، ص ۱۶۳.
- ۵۴- رجال طوسی، ص ۴۹۷.
- ۵۵- فهرست نجاشی، ص ۳۵۱.
- ۵۶- نام این ۱۹۲ کتاب به ترتیب حروف تهجی در عربی این مقاله ذکر شده است.
- ۵۷- رک: شواهد التنزیل، تحقیق علامه حاج شیخ محمد باقر محمودی، احادیث ۲۷ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۸۵ و ۱۹۰ و ۱۹۶ و ...
- ۵۸- مجمع البیان، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸ و ۳۱ و ۸۲ و ۱۲۸ و ...
- ۵۹- مناقب، ابن شهر آشوب ط ۴ جلدی چاپ قم، ج ۲، ص ۳۴۲ و ج ۳، ص ۲۳ و ۱۰۴ و ۳۷۳ و ج ۴، ص ۱۸۰.
- ۶۰- مصباح کفمی، ص ۷۷۳.
- ۶۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۸ و ۲۸.
- ۶۲- الذریعه، ج ۴، ص ۲۹۵.
- ۶۳- تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۸۳، رجال نجاشی، ص ۳۵۱.
- ۶۴- قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۷۷.
- ۶۵- تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۸۳.
- ۶۶- رک: فهرست طوسی و فهرست نجاشی، فهرست ابن ندیم.
- ۲۹- رجال طوسی، ص ۴۳۳، رجال کشی، ص ۵۳۰ (گویا امتحان غالیان به وقت نماز مغرب بوده زیرا آنها خواندن نماز مغرب را از مغرب شرعی تأخیر می‌انداختند).
- ۳۰- فهرست طوسی، ص ۱۱۸، رجال نجاشی، ص ۲۵۷، رجال کشی، ص ۵۳۰، رجال طوسی، ص ۴۱۹ و ۴۳۳ و اعلام الشیعه، قرن چهارم، ص ۳۰۶.
- ۳۱- قاموس الرجال، ج ۶، ص ۱۲۵، رجال نجاشی، ص ۲۱۹ و ۳۵۰، رجال کشی، ص ۵۳۰.
- ۳۲- فهرست رجال کشی، ص ۱۹۶-۱۹۹، رجال طوسی، ص ۴۸۷.
- ۳۳- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۲، رجال طوسی، ص ۴۳۴، رجال کشی، ص ۶۱۶.
- ۳۴- رجال نجاشی، ص ۳۰۶، فهرست طوسی، ص ۱۵۰، فهرست رجال کشی، ص ۲۱۷-۲۱۹، رجال طوسی، ص ۴۲۰ و ۴۳۴، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۳۳۰.
- ۳۵- رجال کشی، ص ۲۴۷، رجال طوسی، ص ۴۹۷، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۳.
- ۳۶- رجال کشی، ص ۲۷۴، رجال طوسی، ص ۴۹۷، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۸۶.
- ۳۷- رجال طوسی، ص ۴۳۴، فهرست طوسی، ص ۱۵۴، رجال نجاشی، ص ۳۱۶، رجال کشی، ص ۵۳۰.
- ۳۸- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷۲، رجال کشی، ص ۱۷ و ۷۲ و ۵۳۰ و رجال طوسی، ص ۴۳۶ و ۵۰۹.
- ۳۹- رجال کشی، ص ۳۱۶، رجال طوسی، ص ۵۱۷ و ۴۳۷، مجمع الرجال، ج ۶، ص ۲۷۹، خلاصه اقوال، ص ۲۶۵، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۳۵.
- ۴۰- رجال طوسی، ص ۴۶۳، فهرست طوسی، ص ۹۰، رجال نجاشی، ص ۳۵۳.
- ۴۱- فهرست طوسی، ص ۱۶۵، رجال طوسی، ص ۴۵۹.
- ۴۲- رجال نجاشی، ص ۳۷۲، فهرست رجال کشی، ص ۲۷۲، رجال طوسی، ص ۴۹۷.
- ۴۳- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۲۷، تاریخ بغداد